

جغرافیای تاریخی نصرت‌آباد (با تکیه بر موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی)

ناهید براهونی*، عباس اویسی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور زاهدان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۵/۱۰/۲۲) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۱۱/۰۴)

Nosratabad Historical Geography (based on the economic, political and military situation)

Nahid Barahoui, Abbas Oveisi

Ph.D Student of Islamic Iran History, Ferdowsi University of Mashhad;
Assistant Professor, Department of History, Payam-e Noor, Zahedan Branch

Received: (2017.01.11)

Accepted: (2018. 01. 24)

Abstract

Nosratabad is now one of the region of the city of Zahedan. Nosratabad region as the center of town about a hundred (Km) north of west Zahedan-bam is on the way. In the writing of ancient historians and geographers of the city with titles such as Esbyz, Espe, Esfi, Sepeh and is named Sanij. Nosratabad geographical location as the only desert village between Kerman and Sistan is the cause of its importance. There are long-distance aqueducts and agricultural Lut desert, Nosratabad as the home of way for passengers and the trade caravan from west to east and Sistan - India trade had been transformed. The remaining monuments of the past in this place, such as minarets and an inn due to development is a demonstrator of governors. So that the Qajar period, in addition to commercial importance, due to the political and military situation, Nosratabad, more attention was paid to it by the king of the Qajar. These factors led to the construction of forts and military equipments and the prison provided in the region. This research uses a descriptive-analytical method to examine the historical geography of Nosratabad (based on the economic, political and military situation).

Keywords: Historical geography, Sistan and Baluchistan, Espe, Nosratabad.

چکیده

نصرت‌آباد در حال حاضر یکی از بخش‌های شهرستان زاهدان به شمار می‌آید. مرکز این بخش نیز با عنوان شهر نصرت‌آباد در حدود صد کیلومتری شمال غرب زاهدان بر سر راه بم قرار دارد. در آثار مورخان و جغرافی‌دانان قدیم از این شهر با عناوین مختلفی نظیر: اسپید، اسپه، اسفی، سپه و سنیج نام برده شده است. موقعیت جغرافیایی نصرت‌آباد به عنوان تنها آبادی میان کویر کرمان و سیستان موجب اهمیت آن شده است. وجود قنات و کشاورزی در مسافت طولانی کویر لوت، نصرت‌آباد را به عنوان مهم‌ترین منزل بین راه برای مسافران و کاروان‌های تجاری که از غرب به شرق و سیستان تا هندوستان به تجارت مشغول بودند، تبدیل نمود. آثار و بناهای بر جای مانده در این مکان از گذشته، نظیر مناره و کاروانسرا، نشانگر توجه حکام به آبادانی آن است؛ به گونه‌ای که تا دوره قاجار، علاوه بر اهمیت تجاری، به دلیل موقعیت سیاسی و نظامی نصرت‌آباد، توجه بیشتری از سوی پادشاهان قاجار به آن معطوف شد. این عوامل موجبات بنای قلاع و تجهیزات نظامی و زندان را در این منطقه فراهم نمود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جغرافیای تاریخی نصرت‌آباد (با تکیه بر موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی) می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای تاریخی، سیستان و بلوچستان، اسپه، نصرت‌آباد.

۱. مقدمه

مورخان به کمک علم جغرافیا و موضوعات مورد مطالعه آن نظیر موقعیت جغرافیایی مکان‌ها، راه‌ها، مرزها و عوامل دیگر که از مؤلفه‌های مؤثر در زندگی انسان هستند، به بررسی تاریخ اقوام و ملت‌ها می‌پردازند و اهمیت یک ناحیه را از نظر موقعیت و کارکردهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تبیین می‌کنند. تحلیل سیر تحولات مکان‌های جغرافیایی در بستر زمان از مهم‌ترین علل پژوهش‌های جغرافیای تاریخی است. درک روند و چگونگی شکل‌گیری مکان شهر و آبادی‌ها با بررسی عوامل مؤثر در آنها در ادوار گذشته، امکان‌پذیر می‌گردد.

با توجه به اطلاعات منابع جغرافیایی و تاریخی، در گذشته نصرت‌آباد یکی از مهم‌ترین آبادی‌های کویر لوت بوده است و محل عبور و دروازه ورود به نواحی شرقی محسوب می‌شده است. در این نوشتار با استناد به این منابع، سعی می‌شود به این پرسش که علل اهمیت و نقش نصرت‌آباد در ادوار گذشته، از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی چه بوده است؟ پاسخ داده شود. در دوران اسلامی نصرت‌آباد یا سپه تنها آبادی کویر و محل عبور کاروان‌ها بود. علیرغم قرار گرفتن این آبادی در کویر و شوره‌زار، وجود قنات آن را از نعمت کشاورزی بهره‌مند ساخت. این منطقه تا دوران معاصر زیر نظر حکمران کرمان اداره می‌شد. به دنبال تحولاتی که در این هنگام در جهان صورت پذیرفت و موجب توجه دول اروپایی به ایران و به خصوص نواحی شرقی و بلوچستان شد، نصرت‌آباد نیز در مسیر عبور سفرا و نمایندگان اروپایی قرار داشت و در آثار آنان نیز از این منطقه یاد شده است. با توجه به اطلاعات منابع

تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی، تاکنون پژوهشی در مورد نصرت‌آباد صورت نگرفته است. بدین ترتیب در این نوشتار جغرافیای تاریخی نصرت‌آباد (با تکیه بر موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی) تبیین شده است.

۲. موقعیت جغرافیایی نصرت‌آباد

نصرت‌آباد در طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۵۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۵۳ دقیقه، با ارتفاع متوسط ۱۱۱۹ متر از سطح دریا، در ۱۰۵ کیلومتری شمال غربی زاهدان و در مسیر زاهدان - بم قرار دارد. این منطقه از شرق با زاهدان، از غرب با کرمان و دشت لوت و از شمال با استان خراسان جنوبی و از شمال شرق با شهرستان زابل همجوار است (شکل شماره ۱). امروزه بخش نصرت‌آباد دارای چند دهستان به نام‌های چاه رحمان، حصاروئیه، گراغه و چاه حسینعلی است.

۲-۱. جغرافیای طبیعی

نصرت‌آباد دارای آب و هوای گرم و خشک است. حداکثر درجه حرارت در تابستان‌ها بیشتر از ۴۲ درجه سانتی‌گراد و در زمستان‌ها حداقل دما به ۳- درجه سانتی‌گراد می‌رسد. میانگین میزان بارش سالانه آن ۹۳ میلی‌متر است (سایت بخشرداری نصرت‌آباد). سیلاب کوه‌های غربی زاهدان و بخشی از حصار و بلندی‌های لواری آب در گذرگاه‌های گراغه، نصرت‌آباد و تنگ نادری به سوی کویر لوت جریان می‌یابند، اما از آن برای کشاورزی استفاده نمی‌شود و مزارع و مراتع پیرامون نصرت‌آباد به وسیله کاریز آبیاری می‌شوند (افشار سیستانی، ۱۳۹۰: ۳۳۰). به دلیل موقعیت جغرافیایی و مجاورت با کویر،

سرحد سیستان دانسته‌اند و آن را نخستین آبادی کویر دانسته‌اند؛ از جمله ابن‌رسته در مسیر هرات به کرمان از مکانی به عنوان اولین آبادی کرمان یاد می‌کند:

راه در بیابانی که جز چاه‌های آب هیچ‌گونه آبادی ندارد پیش می‌رود تا به اولین آبادی کرمان می‌رسد (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۲).

به نظر می‌رسد این مکان اسبید باشد زیرا نخستین آبادی در بیابان بوده است. جامع‌ترین اطلاعات جغرافیایی از این شهر در کتاب *احسن التقاسیم* مقدسی در قرن چهارم هجری آمده است. وی می‌نویسد: «در کویر شهری جز سفید نیست که آن نیز از مرزهای سیستان است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۱۷/۲). لسترنج نیز از وجود سه آبادی با فواصل بسیار دور از یکدیگر در امتداد راه مرکزی کویر لوت می‌نویسد و اینکه همه راه‌های کویر که از غرب به شرق می‌گذشتند، به سمت این سه آبادی متوجه بودند و سومین آبادی را «سنیج» می‌داند. و محل آن را «باریک‌ترین نقطه کویر بین نرماشیر کرمان و زرنج کرسی سیستان» می‌نویسد (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۴۷). هیچ‌گاه شهرستان نبوده و مؤلفان عرب زبان آن را یا از کرمان یا از سیستان دانسته‌اند (کولسنیکف، ۲۵۳۵: ۲۶۶).

۳. پیشینه تاریخی و وجه تسمیه

در منابع جغرافیایی قرون نخستین اسلامی، از نصرت‌آباد با اسامی مختلفی یاد شده است. ابن‌خردادبه نخستین جغرافی‌دانی است که درباره کویر بین بم و نصرت‌آباد اطلاعات دقیقی به دست می‌دهد. وی در قرن سوم هجری، در کتاب *المسالك و الممالک*، ضمن توضیح شهرهای کرمان تا حدود سیستان، از این محل

پوشش گیاهی ناحیه را بیشتر درختان گز و تاغ تشکیل می‌دهد. ارتفاعات مجاور نصرت‌آباد عبارتند از: کوه‌های ملوسان در شمال، هول در جنوب غرب و ناهمواری بلبل آب در غرب و اومار در شمال غرب. همچنین اطراف روستای گرگ، غرب نصرت-آباد، منطقه شکار ممنوع بلبل آب - اومار و دشت حصاروئیه، زیستگاه پرندگان و جانوران بومی است (سایت بخشداری نصرت‌آباد). این منطقه نمونه‌ای زیبا از جلوه حیات طبیعی در منطقه گرم و خشک سیستان و بلوچستان است. وجود جنگل‌های گز و تاغ در کنار گونه‌های متنوعی از پستانداران وحشی نظیر آهو، شغال، کفتار، گرگ و پرندگانی چون کبک و تیهو به این ناحیه کویری جلوه ویژه‌ای بخشیده است (افشار سیستانی، ۱۳۹۰: ۷۱۰). در گذشته به دلیل وجود جنگل و انواع میوه‌های جنگلی و گونه‌های جانوری، این منطقه تفرجگاه و مکانی مناسب برای شکار بود. همچنین این منطقه از دوره قاجار تاکنون ییلاق عشایر سیستان است. علاوه بر این نصرت‌آباد دارای چشمه‌های آب معدنی است. ذوالفقار کرمانی می‌نویسد: «چشمه‌های معدنی آن، گاه سبزرنگ و گاه قرمز رنگ جوش می‌نماید و از قرار مشهور جهت بعضی امراض نافع» است. کوه‌های اطراف نصرت‌آباد دارای معادن غنی مس و سرب است (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۱) که امروزه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۲۶۷). با وجود اینکه زمین‌های این ناحیه بیشتر شوره‌زار است؛ اما محصولاتی نظیر گندم، جو و حبوبات در آن کشت می‌شود (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۲).

در مورد اهمیت جغرافیایی نصرت‌آباد در آثار جغرافی‌دانان مسلمان اطلاعاتی وجود دارد. برخی از جغرافی‌دانان آن را از نواحی کرمان و برخی دیگر

با عنوان «اسبید» یاد می‌کند و می‌نویسد:

از فهرج تا بیابان ریک و چاه‌ها ۸ فرسخ، از بیابان ریک و چاه‌ها تا مناره جُرج ۹ فرسخ و جایگاهی بدون آب است. از مناره جرج تا رباط (کاروانسرای بعیده) ۷ فرسخ و از کاروانسرای بعیده تا اسبید ۹ فرسخ است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۸).

اصطخری از این ناحیه با عنوان «سنیج» یاد می‌کند و آن را در میان بیابان می‌داند که از کرمان گسسته است و بنای آن را به عمرو لیث صفاری نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «این جایگه را قنطره کرمان خوانند و آنجا هیچ پول [پل] نیست لیکن چنین گویند» (اصطخری، ۱۹۴۷: ۲۰۰) (شکل شماره ۲). قنطره در زبان عربی به معنای پل است (فرهنگ معین، مدخل قنطره)؛ بنابراین به نظر می‌رسد این ناحیه از نقاط پراهمیت کویر لوت و از مسیرهای مهم ارتباطی بوده است که از چنین تعبیری برای آن استفاده شده است و یا اینکه در ادوار پیشین در این مکان آب بسیار وجود داشته و در این ناحیه پلی وجود داشته که محل عبور به کرمان بوده است. زیرا در دوران سوم زمین‌شناسی پس از کم شدن آب دریاها، در قسمت مرکزی ایران دریایی پهناور اما کم‌عمق باقی ماند که در دوران چهارم زمین‌شناسی، آب این دریا به تدریج کاهش یافت و چون شور بود، از تبخیر آن پس از قرن‌ها، کویر و نمکزارها ظاهر شدند که قابل زراعت و مساعد برای زندگی نبودند (یغمایی، ۲۵۳۵: ۳-۵).

برخی از جغرافی‌دانان و مورخان این مکان را از نواحی کرمان دانسته‌اند. ابن حوقل در *صورة الارض* سپه را شهری در وسط بیابان و از نواحی کرمان دانسته است (ابن حوقل، بی‌تا: ۲۶۸). جیهانی در کتاب

اشکال العالم، در اقلیم یازدهم و ذکر ولایت کرمان این ناحیه را «اسبیج» می‌نامد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۹). نویسنده ناشناس *حدود العالم* نیز سپه را «شهری میان نمله و سیستان ... و از عمل کرمان» نوشته است (حدود العالم، ۱۳۴۰: ۴۰۲).

اما در *تاریخ سیستان*، این ناحیه با عنوان «سپه» آمده «و از سوی غرب از آن سوی سپه بده فرسنگ به میانه کوه‌ها حد پیدا کردست» (*تاریخ سیستان*، ۱۳۸۹: ۲۵). بنابراین مرز و سرحد سیستان بوده است؛ و در جای دیگری از این کتاب از سپه به عنوان دومین منزل برای عبور از «پهره» [حدود ایرانشهر امروزی] به «نه» [نهبندان امروزی] و سپس طبس یاد شده است (همان: ۲۹۶). مقدسی نام‌های دیگر آن را «اسبید»، «سفید» و «سبنج» می‌داند و از ذکر نام این شهر در دیوان‌های شهرهای سیستان یاد می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۲۸/۲). یاقوت حموی در *معجم البلدان*، این شهر را «سفید» نامیده و آن را از حدود سیستان ذکر کرده است (یاقوت حموی، ۱۹۶۵: ۱۷۰/۳). همچنین لسترنج بر این عقیده است که این ناحیه را بلوچ‌ها «اسپی» و «اسفی» می‌نامند که مطابق با قرائت «اسبید» در آثار جغرافی‌دانان اسلامی است (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۴۷-۳۴۹).

در مورد وجه تسمیه این ناحیه به اسپی و سپه، ذوالفقار کرمانی «اسپه» را به معنای محل سپاه یاد نموده است؛ اما این تعبیر درست بنظر نمی‌رسد (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۲). این نام از لفظ پهلوی «سپت» (spet) به معنای سپید و سفید اخذ شده است (فره‌وشی، ۱۳۴۶: ۱۴۴) و امروزه نیز در زبان بلوچی به همین معناست. به نظر می‌رسد چون در گذشته این ناحیه پوشیده از نمک بوده است، وجود نمکزار در این ناحیه باعث استفاده از این

قندهار و هندوستان رفت و آمد می‌کردند قرار داشته و از اهمیت اقتصادی برخوردار بوده است. شاید کمتر راهی در ایران پیشینه تاریخی این راه را داشته باشد و از لحاظ مسیر، در ۲۵ سده زندگی به این اندازه ثابت مانده باشد. بر پایه شواهد تاریخی و آثار باستانی، پیوند ایران و هند از این طریق بود. این راه در شرایط بسیار سخت طبیعی، آباد نگه‌داشته شد. مسیر آن خطی خمیده است، که از شهر بم تا فهرج در جهت شرق و از فهرج تا اسپه به سوی شمال شرقی است. این گذرگاه از روزگاران کهن مسیر ارتباطی ایران با شرق و جنوب شرقی بوده است. پیوند امپراتوری هخامنشی با ساتراپ‌های شرقی، از سیستان تا سند، از این راه بوده است. در دوران ساسانی و پس از آن نیز مسلمانان پس از گشودن کرمان، از این راه به سیستان رفتند (افشار سیستانی، ۱۳۹۰: ۷۴۲-۷۴۳). وجود قنات و تهیه آب که از ملزومات مسافران و کاروان‌هاست، بر اهمیت آن افزوده است. مقدسی پس از توصیف کشتزارها و کاریزهای اسپه، از جمعیت بسیار و آبادانی و خصوصیات این شهر در قرن چهارم سخن گفته است و از کاروانسرای آن خبر می‌دهد که تنها کاروانسرای کویر است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۲۸-۷۲۹). اسپه معبر و مسیر راه‌های بسیاری که از کرمان به سیستان امتداد داشته است بود و مهم‌ترین راه از سمت غرب، راه فهرج در مرز کویر بسوی سیستان بعد از چهار منزل به اسپه می‌رسید (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۵۱) (شکل شماره ۳).

اسپه در دوره سلجوقیان و حکومت محلی سلجوقیان کرمان نیز دارای اهمیت خاصی بوده است. جاده قدیمی تجاری بین سیستان و خلیج فارس و ممالک شمال، شرق و غرب سیستان در این

نام گشته است. آثار نمک در این نواحی تا دوران معاصر نیز مشهود بوده است. سون هدین، جهانگرد سوئدی، که در سال ۱۸۸۶م، اواخر دوران قاجار، این نواحی را پیموده، به درخشندگی نمک‌های آن اشاره کرده است (هدین، ۱۳۸۱: ۵۲۸).

در دوره صفویه، سیستانی، نویسنده *احیاءالملوک* که وقایع سیستان را تا سال ۱۰۲۸ق نگاشته است، هنگام گذشتن از کرمان به سوی سیستان، از سپه نام نمی‌برد و این ناحیه را به طور کلی «بیابان گرگ» می‌نامد (سیستانی، ۱۳۴۴: ۴۸۲). باستانی پاریزی به این تغییر نام این گونه اشاره می‌کند که قاورد پس از اقدام به آبادانی این ناحیه، بیابان بین سیستان و کرمان را گرگ نامید زیرا (معنای قاورد در زبان فارسی گرگ) است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۱۶۱؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۸۵). به نظر می‌رسد در دوره قاجار و در زمان حکومت نصرت‌الدوله فیروز میرزا بر نواحی شرقی، سپه به نصرت‌آباد تغییر نام یافت؛ زیرا در بیشتر منابع دوره قاجار و سفرنامه‌ها، پس از حکمرانی نصرت‌الدوله، از این مکان با عنوان نصرت‌آباد یاد شده است (سایکس، ۱۳۳۶: ۲/۲۷۸). ذوالفقار کرمانی که به امر ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۸ق مأموریت نقشه‌برداری از سیستان را داشت، در کتاب جغرافیای نیمروز از این ناحیه با عنوان نصرت‌آباد یاد می‌کند (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۲). وزیر ی نیز محدوده جغرافیای نصرت‌آباد را «شرق نرماشیر به فاصله سی واند فرسخ و نام سابق آن را «اسپهکه» می‌نویسد (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

۴. اهمیت اقتصادی

نصرت‌آباد در گذشته تنها آبادی در دل کویر میان سیستان و کرمان بوده است و در مسیر کاروان‌های تجاری و نظامی که از مرکز ایران به سیستان و

۱۹۴۹: ۸۱/۵۱) در دوره حکومت مغول و ایلخان کرمان در مسیر کاروان‌های تجاری بود. از جمله راه‌هایی که از تبریز به خلیج فارس مرتبط می‌شد، راه هرموز و کرمان و یزد و کاشان بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۰: ۶۲۷). بنابراین به‌نظر می‌رسد سپه همچون گذشته در مسیر کاروان‌های تجاری که از کرمان به شرق و سیستان می‌رفتند، موقعیت پیشین خود را حفظ کرده است. در کتاب *جغرافیای تاریخی حافظ ابرو*، که از منابع مهم جغرافیایی دوره تیموری است، به این ناحیه اشاره‌ای نشده است. اما در نقشه‌ای از قلمرو شاهرخ تیموری در کتاب *زیاده‌التواریخ* از این نویسنده، این مکان با عنوان پیشین «اسپی» مشهود است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۴/۱۲۶۲) (شکل شماره ۵).

با توجه به گفته‌های ملک شاه حسین سیستانی در کتاب *احیاء الملوک*، که تاریخ محلی ناحیه سیستان در دوران صفوی است، در این دوره محدوده بین کرمان و سیستان با عنوان بیابان گرگ یاد شده است (سیستانی، ۱۳۴۴: ۴۸۲). امروزه بقایای کاروانسرای در این مکان برجای مانده است که با توجه به معماری، آن را مربوط به دوره صفوی دانسته‌اند. این کاروانسرا تقریباً مربع شکل و وسعتی حدود ۴۰۰/۷ متر مربع و حصار بلند با هفت برج مدور دارد. و دارای ۶۰ حجره در هر ضلع و مجموعاً ۱۵ اتاق می‌باشد (www.chht-sb.ir). کیانی این بنا را متعلق به دوران سلجوقی و صفوی می‌داند و از آن با عنوان رباط شوره‌گز یاد می‌کند (کیانی، ۱۳۸۷: ۲۸۵) (شکل شماره ۶ و ۷). بدین ترتیب می‌توان گفت سیستان در دوره صفویه به دلیل اینکه یکی از انبارهای غله محسوب می‌شد، محل رفت و آمد کاروان‌های تجاری بود؛ به همین دلیل نصرت‌آباد نیز در مسیر

دوره بازسازی شد. اهمیت این جاده از اینجا روشن می‌شود که وقتی سیستان توسط لشکریان غز غارت شد، قاورد نخستین حکمران سلجوقی کرمان امر به بازسازی راه تجاری داد. همچنین در منابع چنین آمده است که قاورد برای حفاظت شهرها و ایجاد تسهیلاتی در رفت و آمد آنها کاروانسرای بنا نمود و برای استراحت و سهولت کار مسافری، چاه‌ها و کاریزهایی حفر نمود و علائمی به صورت مناره‌های بلندی ساخت تا راهنمای مسیر کاروان‌ها در تاریکی شب و هوای نامساعد باشد این ستون‌ها در فواصل و زوایایی قرار گرفته بودند که یکی از ستون دیگری دیده می‌شد (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۲۷). از سویی به گزارشی در جاده سیستان و:

در چهار فرسخی اسپی یک دروازه آهنی ساخته و جماعتی به حفاظت آن مأمور شده‌اند از ابتدای دره تا فهرج دوازده فرسخ است و در هر سی صد قدم فاصله ستونی به طول دو برابر قامت انسانی ساخته شده تا شب‌ها از هر ستونی ستون دیگر دیده شود و مسافرین راه را گم نکنند (کرمانی، ۱۳۷۳: ۳۴۱).

اما ابن‌خردادبه در قرن سوم هجری، پیش از دوره سلجوقیان از وجود این مناره‌ها خبر می‌دهد (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۸). بر این اساس به‌نظر می‌رسد بنای این مناره‌ها در دوره پیش از اسلام و یا اوایل دوران اسلامی صورت گرفته است و یا اینکه قاورد دستور مرمت آن را داده است. همان‌گونه که امروزه از این مناره‌ها با عنوان (میل نادری) یاد می‌شود و به اشتباه ساخت آن را به نادرشاه افشار نسبت می‌دهند (شکل شماره ۴).

پیش از دوران مغول نیز سپه اهمیت اقتصادی خود را حفظ نموده و در مسیر راه تجاری که از غرب به شرق منتهی می‌شد قرار داشته است (سیرو،

۵. موقعیت سیاسی و نظامی نصرت‌آباد

نصرت‌آباد در گذشته، علاوه بر موقعیت اقتصادی، از نظر سیاسی و نظامی نیز دارای اهمیت بوده است. ادیسی در ذکر منازل کویر از سنج نام برده که «در آن زمان یک منطقه نظامی کم آب در میان کویر» بوده است (ادیسی، بی تا: ۱۱۳) و در دوره سلجوقیان، قاورد به منظور حفظ امنیت کاروان‌ها در این منطقه، پاسگاه‌هایی ایجاد نمود (کرمانی، ۱۳۷۳: ۳۴۱). در دوره قاجار به دلیل تحولات بین‌المللی، ایران در معادلات سیاسی کشورهای استعمارگر نقش چشمگیری یافت. این نقش به دلیل هم‌جواری با هندوستان، شاه‌رگ حیاتی اقتصاد انگلستان بود. بنابراین تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، تغییرات اجتماعی و اقتصادی که در قرون ۱۳ و ۱۴ق در ایران روی داد، با دوره‌های دیگر متفاوت بود. در این دوره دولت انگلیس برای چپاول و غارت هندوستان در فکر برقراری رابطه با ایران بود؛ به این امید که این کشور بتواند مانع دستیابی دو رقیب دیگر، یعنی روسیه و فرانسه، به هندوستان شود. بدین ترتیب این دولت‌ها با مقاصد سیاسی، دست دوستی به سوی ایران دراز کردند و به همین دلیل ایران در گردونه سیاسی قرار گرفت (بیک محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۶۱) و به نواحی شرقی ایران، از جمله ناحیه بلوچستان، به دلیل همسایگی با هندوستان، توجه بیشتری شد.

ایران دوره قاجار به پنج ناحیه حکمرانی و دوازده حاکم‌نشین تقسیم می‌شد که حکمرانی چهارم نواحی خراسان و سیستان و حکمرانی پنجم کرمان و بلوچستان را در بر می‌گرفت (مرادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۴۹). تا دوره فتحعلی‌شاه قاجار، دولت مرکزی حضور کم‌رنگی در نواحی شرقی داشت. از علل آن

کاروان‌های تجاری قرار داشته و این ویژگی را تا دوره قاجار حفظ نموده است. از سوی دیگر کاروان‌های تجاری سیستان نیز در دوره قاجار، برای داد و ستد با نواحی هم‌جوار نظیر کرمان و یزد از مسیر نصرت‌آباد عبور می‌کردند. شاهد این مدعا سخن اعتمادالسلطنه است که همچون مورخان دیگر نصرت‌آباد را مانند گذشته، در بین بیابان‌نماشیر و سیستان، تنها راه محل عبور و تنها آبادی کویر ذکر کرده است (اعتمادالسلطنه، بی تا: ۴۰). وکیل‌الملک نوری، حکمران کرمان در دوره قاجار، اقدام به ایجاد کاروانسرا و حفر قنات در نصرت‌آباد نمود (احمدی کرمانی، ۱۳۵۴: ۱۰۸). باستانی پاریزی این اقدام را بسیار پر اهمیت و حیاتی می‌داند و به نظر وی احداث قنات در بیابان مثل این است که کسی امروز بتواند در کره ماه، یک چشمه جوشان حتی به اندازه چشمه نصرت‌آباد ایجاد کند. کاریز کویر در بیابان‌های خراسان و اصفهان و یزد و کرمان که بیش از سه‌هزار کیلومتر، از ری تا سراوان و چابهار را در بر می‌گیرد، یک شاهکار تمدنی است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۴: ۳۰). همچنین کاروانسرای نصرت‌آباد در این هنگام نیز تنها محل تهیه آذوقه و ملزومات سفر برای مسافران و کاروان‌ها بشمار می‌رفته است (کارگزار، ۱۳۸۳: ۴۷؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۲/ ۲۷۸). فرمانفرما در اهمیت آن در دل کویر می‌نویسد:

از نصرت‌آباد تا فهرج نماشیر پنجاه و دو فرسنگ راه سه منزل پانزده شانزده فرسخی است و ابتدا در اطراف آن آب و آبادی نیست و از آنجا به طرف سیستان هم تا دزداب [زاهدان امروزی] و بلوچ آب و ترشاب حدود خاک سیستان هر کدام بیست فرسخ و هفده فرسخ و پانزده فرسخ متفاوت است (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

پس از نصرت‌الدوله فیروزمیرزا، وکیل‌الملک نوری به حکومت کرمان و بلوچستان منصوب شد. به دستور وی اقدامات عمرانی بسیاری نظیر ساخت کاروانسرا، قلعه نظامی و حفر قنات انجام گرفت که موجب آبادانی این ناحیه شد (احمدی کرمانی، ۱۳۵۴: ۱۰۸).

علاوه بر این، با توجه به موقعیت ایران دوره قاجار و مناسبات با کشورهای اروپایی و ورود سفرا و مقامات سیاسی و نظامی به کشور، بیشتر افرادی که از مسیر شرق به ایران وارد شده‌اند، در آثار خود از سپه یا نصرت‌آباد یاد نموده‌اند. گلداسمید^۱ در سفرنامه‌اش، در میان منازل فهرج تا سه کوهه در سیستان، نصرت‌آباد را چهارمین منزل نوشته است (گلداسمید، ۱۳۷۸: ۲۸۰). سون هدین که در اواخر عصر قاجار به ایران آمده و از کویرهای ایران دیدن نموده، نیز به عبور هیئت گلداسمید از این نواحی اشاره کرده است (هدین، ۱۳۸۱: ۵۲۹). حتی برخی از صاحب‌منصبان نظامی خارجی و داخلی، نصرت‌آباد را معبر کراتروس، سردار اسکندر، دانسته‌اند (سایکس، ۱۳۳۶: ۲ / ۲۰۵؛ رزم‌آرا، بی‌تا: ۱۹۱).

عبدالحسین میرزا فرمانفرما در سفرنامه کرمان و بلوچستان اتصال بیشتر راه‌های منتهی به شرق، از مرکز، شمال شرق و شمال غرب را به نصرت‌آباد و قلعه آن نوشته است (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۹۰-۹۴). بنابراین می‌توان گفت قلعه نصرت‌آباد محل تقاطع راه‌های منتهی به شرق و در مسیر شاهراه‌های مرکز به نواحی شرقی بوده است، زیرا منابع این دوره از تردد وسایل

اینکه، آقا محمدخان مؤسس این سلسله، با مسائل دیگر درگیر بود و عمر کوتاه حکومتش فرصت توجه به شرق را به او نداد. با روی کار آمدن فتحعلی‌شاه و شروع جنگ‌های ایران و روس، توجه دولت قاجار به این جنگ‌ها معطوف شد. در سال ۱۲۴۶ق عباس میرزا از یزد و کرمان بازدید کرد اما به دلیل شورش خراسان، فرصت توجه به سرزمین‌های هم‌جوار این ناحیه را نیافت و به خراسان شتافت (هایپرک، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

اولین توجه حکومت قاجار به نواحی شرقی، در زمان حکومت محمدشاه روی داد. در سال ۱۲۵۱ق آقاخان محلاتی، رهبر فرقه اسماعیلیه، از جانب محمدشاه به حکومت کرمان رسید (خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۵). در این هنگام حکومت نواحی شرقی در دست فرزندان یاغی شجاع‌السلطنه بود که مدعی تاج و تخت قاجار بودند. آقاخان توانست نظم و آرامش را در این نواحی برقرار نماید (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۵۶). اما پس از مدتی وی از حکومت برکنار شد و نصرت‌الدوله فیروز میرزا نائب‌السلطنه، برادر شاه، به حکومت کرمان رسید (احمدی کرمانی، ۱۳۵۴: ۷۴). سرپرسی سایکس که در این زمان از این ناحیه عبور کرده است، می‌نویسد:

نصرت‌آباد در دره وسیعی واقع شده که چون محل تقاطع کلیه جاده‌های اطراف است، از هر جهت دارای اهمیت می‌باشد و قلعه کهنه «اسپی» که بنای آن را به اسفندیار نسبت می‌دهند، در آن قابل توجه است (سایکس، ۱۳۳۶: ۲ / ۲۷۸؛ همو، ۱۳۷۸: ۴۸۰).

و ذوالفقار کرمانی نیز در اطراف قلعه نصرت‌آباد از آثار و علامت چند رشته قنات و آثار قلعه خرابه و عمارات نوشته است (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۲).

۱. ژنرال فردریک گلد اسمید اولین مدیر تلگراف‌خانه انگلیس در ایران و نماینده تام‌الاختیار انگلستان در تعیین حدود بلوچستان و دارنده لقب شوالیه و نشان ستاره هندوستان بود که به سمت هیئت داور انگلستان در تعیین حدود سیستان برگزیده شد.

تاز و غارت بلوچ‌ها به نواحی مجاور می‌توان اشاره کرد.

در قلعه نظامی نصرت‌آباد، زندانی وجود داشته که به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی قلعه، محل تبعید محکومان بوده است و «هر کس شیر و مقصر باشد که حکم قتل در آن جاری نشود و بخواهند بی‌زحمت مستحفظ کند ... او را به قلعه نصرت‌آباد می‌فرستند تا موعد حبسش منقضی شود» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

وجود بیابان گسترده در اطراف قلعه موجب می‌شد افرادی که آگاهی نسبت به منطقه ندارند، نتوانند به سهولت از آن نجات یابند. بنابراین زندانیان را «به اتفاق بلد عودت کند والا خود آن به تنهایی مشکل بتواند فرار کند» (همان). بدین ترتیب دور بودن قلعه از شهر و آبادی و صعب‌العبور بودن آن از دیگر دلایل برگزیدن آن برای حبس محکومان بوده است. همچنین در تقسیم‌بندی رزم آرا، در کتاب جغرافیای نظامی ایران، نصرت‌آباد در قسمت چهارم از نقاط مهم مکران جای گرفته است (رزم آرا، بی‌تا: ۵۲).

۶. نتیجه‌گیری

این بررسی نشان داد نصرت‌آباد یا سپه در گذشته از موقعیت خاصی برخوردار بوده است. زیرا این شهر تنها آبادی کویر سیستان و کرمان بود. قرار گرفتن در مسیر کاروان‌های تجاری و وجود قنات و کشاورزی در این آبادی، موجب توجه حکام و بنای کاروانسرا در مسیر آن شد که این امر توقف کاروان‌ها در سپه، پس از پیمودن مسیر طولانی بیابان و در نتیجه روتق و آبادانی آن را در دوران اسلامی به‌دنبال داشت. در دوره قاجار هم‌جواری نواحی شرقی ایران با مستعمرات انگلستان در هند، بر توجه پادشاهان قاجار

نقلیه آن زمان در این مسیر خبر می‌دهند (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۴؛ احمدی کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

نصرت‌آباد علاوه بر موقعیت سوق‌الجیشی، از اهمیت نظامی نیز برخوردار بوده است. شاهد این مدعا وجود قلعه نظامی بزرگی در این ناحیه است که گفته می‌شود در زمان وکیل‌الملک نوری ساخته شده است (کارگزار، ۱۳۸۳: ۵۰). فرمانفرما از این قلعه بازدید کرده و آن را این‌گونه وصف می‌نماید:

قلعه مزبوره ... تخمیناً یک‌صد و سی ذرع طول و ده ذرع عرض دارد و در کمال استحکام و دروازه آن رو به جنوب و علاوه بر دو لوله برج دو طرف دروازه، چهار برج محکم بسیار خوب در چهار طرف و در تمام آنها توپ رو و تیرکش و تفنگ بسیار خوب دارد و اطراف حصار هم جان پناه و مردگردهای به قاعده ساخته شده و تیرکش‌های تفنگ خیلی ممتاز منظور داشته ... و قورخانه و توپخانه و ملزومات نیز جمع مأمورین و مستحفظین قلعه مزبوره است... (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

همچنین وی از وجود تجهیزات جنگی از جمله توپ‌های چدنی، چندین قبضه شمشال و تفنگ در قلعه خبر می‌دهد (همان: ۲۱۲). تجهیز قلعه به ملزومات و ادوات جنگی نشان از اهمیت آن برای حکومت قاجار در نواحی شرقی، به منظور سرکوب شورش‌های داخلی و تهدیدهای خارجی، دارد. ذوالفقار کرمانی از حضور سواران، تفنگچیان و قراولان در قلعه می‌نویسد و ساخت قلعه در این مکان را از اقدامات مهم وکیل‌الملک و نشانگر درایت وی می‌داند بدین دلیل که «طوایف بلوچیه از هر سمتی که بخواهند به تاخت و تاز از هفتاد راه بروند باید از اطراف نصرت‌آباد بگذرند» (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۲). بنابراین از دلایل ساخت قلعه، جلوگیری از تاخت و

به این نواحی افزود. بسیاری از سفرا و نمایندگان کشورهای اروپایی هنگام عبور از نواحی شرقی و همچنین در جریان مرزبندی و تعیین حدود شرق ایران، از نصرت‌آباد گذر نموده و از اهمیت آن در دل کویر سخن گفته‌اند. اهمیت این شهر به دلیل واقع شدن بر سر راه‌های تجاری و شاهراه ارتباطی به شرق، موجب بنای قلاع و استحکامات نظامی و تجهیز آن به ادوات جنگی شد. از دلایل این امر ایجاد امنیت در مسیر کاروان‌های تجاری و جلوگیری از غارت و چپاول راهزنان بلوچ بود. وجود زندان در قلعه نصرت‌آباد، از دیگر علل اهمیت آن است؛ زیرا به جهت واقع شدن این آبادی در میان کویر لوت و صعب‌العبور بودن، امکان فرار محکومان از زندان کمتر روی می‌داد.

منابع

ابن حوقل، ابی القاسم (بی‌تا). *صورة الارض*. بیروت: دارمکتبه المیاه.

ابن خردادبه (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: نشر نو.

ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: امیرکبیر.

ادریسی، ابو عبدالله محمد الشریف (بی‌تا). *نزهة المشتاق فی اختراق الافاق*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۹۴۷م). *مسالك و ممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۰). *تاریخ مغول*. تهران: انتشارات ساحل.

افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳). *نگاهی به سیستان و بلوچستان*. بی‌جا: خضرائی.

افشار سیستانی، ایرج (۱۳۹۰). *سیستان و بلوچستان‌نامه*. تهران: نشر کتابدار.

احمدی کرمانی، یحیی (۱۳۵۴). *فرماندهان کرمان*. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کتابفروشی دانش.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۴). *فرمانرمای عالم*. تهران: علمی.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

بیگ محمدی، حسن (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*. چاپ چهارم. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

تاریخ سیستان (۱۳۸۹). تصحیح و تحشیه ملک الشعراى بهار. تهران: انتشارات اساطیر.

جیهانی، ابوالقاسم احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه عبدالسلام کاتب. مشهد: انتشارات به نشر.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰). *زبده التواریخ*. مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حدودالعالم (۱۳۴۰). ترجمه منوچهر ستوده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خورموجی، محمدجعفر (۱۳۶۳). *حقایق الاخبار ناصری*. به کوشش سید حسین خدیوچم. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

ذوالفقارکرمانی (۱۳۷۴). *جغرافیای نیمروز*. به کوشش عزیزالله عطاردی. تهران: انتشارات عطارد.

راوندی، محمد (۱۳۶۴). *راحه الصدور و آیه السرور*. تصحیح م. اقبال و م. مینوی. تهران: امیرکبیر.

رزم‌آرا، علی (بی‌تا). *جغرافیای نظامی ایران، مکران*. بی‌جا: بی‌نا.

سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶). *سفرنامه سرپرسی سایکس*. ترجمه حسین سعادت نوری. چاپ دوم. تهران: کتابخانه ابن سینا.

پهلوی». پیام بهارستان. دوره دوم. سال ۵. شماره ۱۹.
 معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
 مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن
 التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ج ۲. ترجمه علینقی
 منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
 وزیر، احمدعلی خان (۱۳۸۵). جغرافیای کرمان.
 تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. چاپ پنجک.
 تهران: نشر علم.
 هاپکرک، پیتر (۱۳۷۹). بازی بزرگ. ترجمه رضا کامشاد.
 تهران: انتشارات نیلوفر.
 هدین، سون (۱۳۸۱). کویرهای ایران. ترجمه پرویز رجبی.
 چاپ دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۱). تاریخ روابط
 خارجی ایران. چاپ ۱۶. تهران: امیرکبیر.
 یاقوت حموی، شهاب الدین عبدالله (۱۹۶۵). معجم
 البلدان. تهران: انتشارات اسدی
 یغمایی، اقبال (۲۵۳۵). بلوچستان و سیستان: سرزمین
 نژاده مردمان و پهلوانان سخت کوش. تهران: وزارت
 فرهنگ و هنر.

منابع الکترونیکی

سایت بخشداری نصرت آباد

-www.chht-sb.ir
 -www.negahmedia.ir
 -www.hamgardi.com

پیوست‌ها:

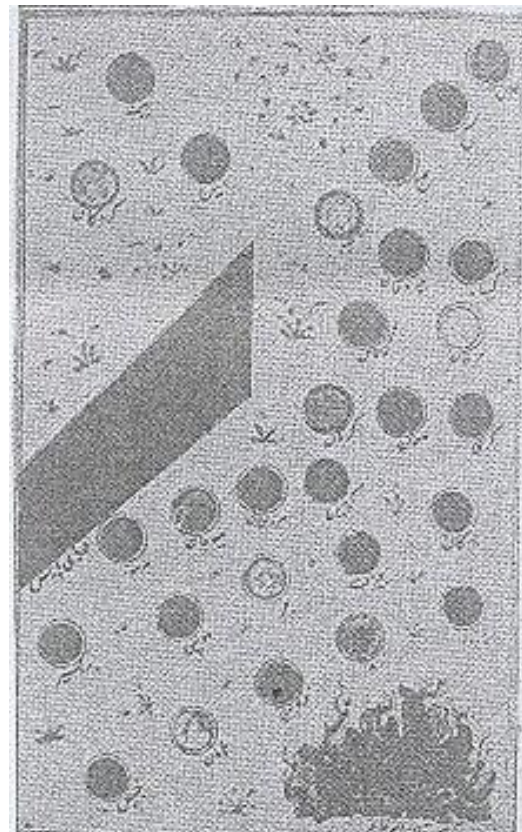


(شکل شماره ۱، از سایت بخشداری نصرت آباد)

سایکس، سرپرسی (۱۳۷۸). جغرافیای تاریخی سیستان،
 (سفر با سفرنامه ها). «خاطرات سفر چهارم به ایران».
 ترجمه و تدوین حسن احمدی. تهران: حسن
 احمدی.
 سیرو، ماکسیم (۱۹۴۹). کاروانسراهای ایران و
 ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها. ترجمه عیسی
 بهنام. قاهره: انتشارات انجمن فرانسوی شرق شناسی.
 سیستانی، ملک شاه حسین (۱۳۴۴). احیاء الملوک. به
 اهتمام منوچهرستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر
 کتاب.
 فرمانفرما، عبدالحسین میرزا (۱۳۸۳). مسافرت نامه کرمان و
 بلوچستان. به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
 فره وشی، بهرام (۱۳۴۶). فرهنگ پهلوی. تهران: انتشارات
 بنیاد فرهنگ ایران.
 کارگزار، میرزا موسی خان (۱۳۸۳). روزنامه سفر به
 سیستان. به کوشش عباس اویسی و برات دهمرده.
 زاهدان: تفتان.
 کرمانی، افضل الدین ابوحامد (۱۳۷۳). سلجوقیان و غز در
 کرمان. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران:
 کوروش.
 کولسنیکف، آ. ای (۲۵۳۵). ایران در آستانه یورش تازیان.
 ترجمه م. ر. یحیایی. تهران: آگاه.
 کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۷). معماری ایران دوره
 اسلامی. چاپ هفتم. تهران: سمت.
 گلداسمید، فردریک (۱۳۷۸). جغرافیای تاریخی سیستان (سفر
 با سفرنامه‌ها). «سفر از بندر عباس تا مشهد از طریق
 سیستان». ترجمه و تدوین حسن احمدی. تهران: حسن
 احمدی.
 لسترینج، گی (۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های
 خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. چاپ دوم.
 تهران: علمی و فرهنگی.
 مرادی، مسعود و دیگران (۱۳۹۲). «اداره بلوچستان از
 طریق حاکمان کرمان از دوره ناصری تا اوایل



شکل شماره ۵: موقعیت اسپه در قلمرو شاهرخ تیموری

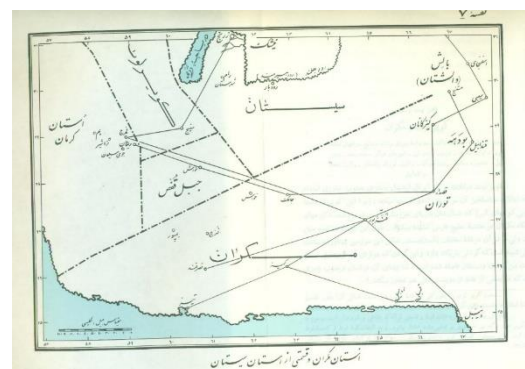


شکل شماره ۲، موقعیت سنج در کتاب اصطخری



شکل شماره ۶: رباط شوره گز، از سایت

(www.negahmedia.com)



شکل شماره ۳، سپه معبر فهرج به سیستان



شکل شماره ۷: رباط شوره گز، از سایت

(www.negahmedia.com)



شکل شماره ۴، میل نادری، از سایت (www.hamgardi.com)